

Preventive Strategies against the Negative Impact of New Media on Sexual Education from the Perspective of Islam and Psychology

Abbas Ayenehchi 

Assistant Professor, Department of Psychology and Education, Faculty of Women and Family, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author).
ab.ayenehchi@yahoo.com

Sediqueh Bakhtiari Dastgerdi

MA in Islamic Women's Studies, Department of Women and Family, Sediqueh Kobra Tarbiat Modares University, Qom, Iran. backhtiari.133@gmail.com

Abstract

Objective: This study examines the negative impact of new media on sexual education from a psychological perspective and explores preventive strategies from both Islamic and psychological viewpoints.

Methodology: The research follows a qualitative approach and is applied in nature. Information processing was conducted using descriptive-analytical methods.

Findings: Key strategies include:

- Focusing on the family and managing internal and external family relationships
- Strengthening religious beliefs and moral values

Cite this article: Ayenehchi, A., & Bakhtiari Dastgerdi, S. (2025). Strategies for preventing the negative impact of new media on sexual education from the perspective of Islam and psychology [Rahkarhā-ye pishgiri az ta'sir-e manfi-ye resāneh-hā-ye novin bar tarbiyat-e jensi az manzar-e eslām va ravānshenāsi]. *Journal of Religious Media Studies*, 7(26): 129-158.
<https://doi.org/10.22034/jmrs.2025.473845.1212>

Received: 2024/08/18 Revised: 2025/04/21 Accepted: 2025/04/21 Published online: 2025/08/05

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: IRIB University

- Practicing presence-based self-restraint
- Promoting insight and enhancing media literacy
- Avoiding stimulating environments and providing alternatives
- Managing and supervising the use of media and cyberspace

Discussion and Conclusion: Studies in both Islam and psychology highlight the importance of sexual education. Each field offers specific recommendations for the proper sexual upbringing of children and adolescents, as well as methods to prevent sexual deviations during childhood and adolescence. By comparing and aligning Islamic and psychological approaches to sexual education, and identifying their similarities and differences, we have derived practical strategies based on Islamic theories and teachings to prevent the negative effects of new media on sexual education.

Keywords: Sexual education, new media, Islam, psychology.



راهکارهای پیشگیری از تأثیر منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی از منظر اسلام و روان‌شناسی

عباس آینه‌چی

استادیار گروه روانشناسی و تربیت، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

ab.ayenehchi@yahoo.com

صدیقه بختیاری دستگردی

کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی زنان، گروه آموزشی زن و خانواده، دانشگاه تربیت مدرس صدیقه کبری، قم، ایران.

backhtiari.133@gmail.com

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش بررسی تأثیر منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی از منظر روان‌شناسی و بررسی راهکارهای پیشگیری از تأثیر منفی رسانه‌های نوین از منظر اسلام

استناد به این مقاله: آینه‌چی، عباس؛ بختیاری دستگردی، صدیقه (۱۴۰۴). راهکارهای پیشگیری از تأثیر منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی از منظر اسلام و روانشناسی. مطالعات دینی رسانه، ۷ (۲۶): ۱۲۹-۱۵۸.

<https://doi.org/10.22034/jmrs.2025.473845.1212>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

ناشر: دانشگاه صدا و سیما

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



و روان‌شناسی است.

روش‌شناسی پژوهش: روش این پژوهش به لحاظ رویکرد، کیفی و به لحاظ هدف، کاربردی است، و روش پردازش اطلاعات نیز توصیفی-تحلیلی است.

یافته‌ها: ۱- توجه به خانواده و مدیریت روابط درون و بیرون خانواده، ۲- تقویت عقاید دینی و ارزش‌های اخلاقی، ۳- تقوای حضور، ۴- بصیرت‌بخشی و بالا بردن سواد رسانه‌ای، ۵- دوری از محیط تحریک‌زا و ایجاد جایگزین، ۶- مدیریت و نظارت در استفاده از رسانه و فضای مجازی.

بحث و نتیجه‌گیری: بررسی‌های انجام‌شده در اسلام و روان‌شناسی حاکی از اهمیت تربیت جنسی در این دو حوزه است، به‌طوری‌که هرکدام به‌نوبه خود توصیه‌هایی در راستای تربیت جنسی صحیح فرزندان و روش‌های پیشگیری از انحرافات جنسی در دوره کودکی، و نوجوانی ارائه داده‌اند. با بررسی و تطبیق تربیت جنسی در اسلام و روان‌شناسی و وجوه تشابه و افتراق آن‌ها، به راهکارهای کاربردی منطبق با نظریات اسلام و آموزه‌های دینی برای پیشگیری از تأثیرات منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی دست یافتیم.

کلیدواژه‌ها: رسانه، تربیت، تربیت جنسی، رسانه‌های نوین، اسلام، روان‌شناسی، اخلاق، خانواده.

مقدمه

در عصری که عصر فناوری ارتباطات و اطلاعات نام‌گرفته، رسانه‌های نوین با درنوردیدن فاصله‌های مکانی و زمانی، تمامی عرصه‌های زندگی بشر به‌ویژه تعلیم و تربیت را دگرگون ساخته و معنا و مفهوم تازه‌ای به آن بخشیده‌اند. مقصود از رسانه‌های نوین مجموعه متمایزی از فناوری‌های ارتباطی مبتنی بر بستر اینترنت است (مک کوایل، ۱۳۸۷: ۱۰). این رسانه‌ها با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد همچون گمنامی و سهولت در دسترسی، مرزهای زمان و مکان را درنور دیده و به‌عنوان رقیبی، جایگزین فضای تربیتی خانواده‌ها شده‌اند. قدرت رسانه‌ها نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در فرآیند تربیت انسان،

آن‌قدر مهم است که برخی معتقدند رسانه‌ها قادرند نسل جدیدی در تاریخ انسان پدیدآورند، نسلی که از لحاظ رفتار، افکار و نحوه تعامل با هم‌نوعان خود با نسل‌های پیشین تفاوت داشته باشد.

رسانه‌های نوین از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تربیت جنسی در عصر حاضر هستند. گسترش رسانه‌های نوین و فضاهای مجازی بدون فرهنگ‌سازی و آمادگی ذهنی قبلی، بر فرهنگ و رفتار افراد جامعه تأثیرگذار بوده و به‌عنوان یکی از دغدغه‌های بزرگ خانواده‌ها و مجامع فرهنگی دلسوز تبدیل شده است. امروزه ماهواره، وب‌گاه‌ها و وبلاگ‌ها، اتاق‌های گپ و تالارهای گفت‌وگو، شبکه‌های اجتماعی و دوست‌یابی، بازی‌های رایانه‌ای از جمله مهم‌ترین رسانه‌های نوین محسوب می‌شوند که مبتنی بر اینترنت، آسیب‌ها و امور غیراخلاقی بسیاری را سبب می‌شوند. رسانه‌ها با اثرپذیری ناآگاهانه، روی فکر و ذهن مخاطب تأثیر گذاشته و در نتیجه این اثرگذاری، فرد منفعل شده و پیام‌هایی که از رسانه‌ها و محیط به ذهن او منتقل می‌شود، بدون هیچ دلیل و تحلیلی می‌پذیرد.

بلوغ زودرس، فراگیری و اجرای رفتار نامتعارف جنسی، گسست خانواده و پیوندهای خانوادگی، شکاف بین والدین و فرزندان در اثر الگوبرداری از محتوای این‌گونه رسانه‌هاست. در عصر حاضر که کودکان و نوجوانان ارتباط بیشتری نسبت به فرزندان دیروز با محیط رسانه و فضای مجازی دارند، به‌شدت در معرض خطرات احتمالی ناشی از فساد محیط قرارگرفته‌اند. این مسئله، آسیب‌شناسی هرچه بیشتر رسانه‌ها و فضای مجازی و ارائه راهکارهای عملی بر خواسته از متن دین، در راستای آسیب‌زدایی از تربیت در فضای مجازی را طلب می‌کند.

مطالعات و تحقیقات متعددی در حوزه تربیت جنسی از منظر اسلام و روان‌شناسی، رسانه‌های نوظهور، اینترنت و سرویس‌هایی همچون وب‌سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته است. در مطالعات و بررسی‌های صورت‌گرفته توسط محققین، به پژوهشی که به راهکارهای کاربردی برای پیشگیری از آسیب‌های مخرب رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی پرداخته باشد و از طرفی مبتنی بر نظریات روان‌شناسان و منطبق بر آموزه‌های دینی باشد،

دست نیافتیم. بنابراین این مقاله درصدد است با تأملی بر تربیت جنسی در اسلام و روان‌شناسی و تأثیرات منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی، راهکارهای پیشگیری از تأثیر منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی را از منظر اسلام و روان‌شناسی مورد بررسی قرار دهد. روش پژوهش در این مقاله به لحاظ رویکرد کیفی و به از نظر هدف کاربردی است، و روش پردازش اطلاعات به صورت توصیفی-تحلیلی است.

بررسی راهکارهای پیشگیری از تأثیر منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی از منظر اسلام و روان‌شناسی می‌تواند در ابتدا به والدین برای تربیت جنسی صحیح فرزندان و سپس به روان‌شناسان و مشاوران برای تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب کمک کند. بنابراین راهکارهای متناسب با اقتضائات عصر نوین، یاری‌دهنده والدین و مریبان در راستای تربیت جنسی صحیح کودکان و نوجوانان و در نتیجه جامعه‌ای سالم و به‌دور از هرگونه انحرافات جنسی خواهد بود. «تربیت» رشد تدریجی و هماهنگ همه استعدادهای انسان تعریف می‌شود که دارای ابعاد مختلفی است. تربیت جنسی یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین ابعاد تربیت است که در چگونگی شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی داشته و بر افکار، عواطف و رفتارهای او تأثیرگذار است.

در عصری که عصر فناوری اطلاعات نام‌گرفته، رسانه‌های نوین با درنوردیدن فاصله‌های مکانی و زمانی، تمامی عرصه‌های مختلف زندگی بشر به‌ویژه تعلیم و تربیت را دگرگون ساخته و معنا و مفهوم تازه‌ای به آن بخشیده‌اند. فناوری‌های ارتباطی جدید به سبب تنوع، جذابیت، نو بودن و ارضای حس کنجکاوی افراد به‌شدت مورد توجه کودکان و نوجوانان قرار گرفته‌اند، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت امروزه تربیت رسانه‌ای به‌عنوان رقیبی، جایگزین فضای تربیتی خانواده‌ها شده است. یکی از حوزه‌های چالش‌برانگیز تعلیم و تربیت در این عصر، تربیت جنسی است. توجه به تربیت جنسی با توجه به ویژگی‌های عصر حاضر و دسترسی آسان و سریع به فناوری‌های جدید امری ضروری است. تربیت جنسی به‌صورت صحیح و با در نظر گرفتن مقتضیات عصر حاضر، در کنار فراگیری ارزش‌ها و هنجارهای دینی و پرورش مهارت‌های کنترل، افراد را به‌سوی صلاح و پرهیز از فساد سوق می‌دهد و موجب

سلامت روان نسل جوان و جامعه می‌شود.

طبق تفسیر و تحلیلی که از کلام فیض کاشانی بیان شده، تربیت جنسی تنها آموزش جنسی، دانستی‌های جنسی و یا پروردن و اوج دادن غریزه جنسی نیست، بلکه مقصود از تربیت جنسی ایجاد زمینه‌ها و موقعیت‌هایی است که مربی را با ارضاء و هدایت غریزه جنسی، رفتار جنسی اعتدال‌آمیز هماهنگ باهدف خلقت، آشنا می‌سازد، بهداشت و سلامت جسمی و روحی او را تأمین می‌کند، زمینه رشد شخصیت فردی، اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی او را به‌وجود می‌آورد، او را از انحراف و لغزش جنسی مصون می‌دارد و سعادت و کامیابی دنیوی و اخروی او را فراهم می‌آورد (بهشتی، ۱۳۸۵: ۹۲).

اگرچه صاحب‌نظران معانی و برداشت‌های متفاوتی در مورد تربیت جنسی بیان کرده‌اند، ولی می‌توان تفسیر و تحلیل از کلام فیض کاشانی را به‌عنوان تعریف کامل پذیرفت.

تربیت جنسی از نظر اسلام و روان‌شناسی

مکتب‌ها و نظام‌های مختلف، به تناسب وسعت یا محدودیت خود، تعالیم و دیدگاه‌های متفاوتی را نسبت به امور جنسی، اخلاق و عدالت جنسی عرضه می‌کنند. از آنجا که ما دین اسلام را آخرین و کامل‌ترین دین می‌دانیم، معتقدیم برای تمامی مسائل زندگی، از جمله تربیت جنسی به‌عنوان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین بعد تربیت نیز اهتمام و توجه ویژه دارد. هر مکتب و نظامی که ادعای تأمین سعادت بشر را دارد، باید برای غریزه جنسی به‌عنوان بخشی از تربیت جنسی، برنامه داشته باشد و پاسخ درست و روشنی به آن بدهد. در هیچ آیینی به اندازه اسلام به موضوع تربیت جنسی پرداخته نشده، به‌طوری‌که برای کنترل و حفاظت یکی از مهم‌ترین غریزه‌های وجود آدمی یعنی غریزه جنسی نیز برنامه‌هایی دارد.

اسلام نه خواهان طغیان و سرکشی و مرزنشناسی غرایز است، و نه حامی سرکوبی آن‌ها، بلکه پیوسته در تعدیل و رهبری آن‌ها می‌کوشد. شریعت اسلام لزوم اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط را، نه تنها در غرایز آدمی، بلکه درباره همه شئون حیات دنیوی توصیه می‌کند.

بنابراین نظریه اسلام را می‌توان در تعدیل غرایز و رهبری امور فطری خلاصه کرد (سبحانی،

صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف روانشناسی و تعلیم و تربیت نیز هر يك بر مبنای طرز تلقی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه موردنظر، تبیین و برداشت خاصی را در زمینه تربیت جنسی ارائه کرده‌اند که بیان‌کننده نوع نگاه آن‌ها نسبت به این حوزه آموزشی و تربیتی است. دفریتاس معتقد است تربیت جنسی، مجموعه اقدامات و تدابیر تربیتی شامل آموزش آداب و ضوابط، هدایت غریزه جنسی، مراقبت و به‌کارگیری اصول و روش‌های درست است که موجبات رشد غریزه جنسی در جهت تعالی و تکامل شخصیت جنسی را فراهم می‌کند و در پیدایش حس زیبادوستی، هنر عشق ورزیدن، محبت، صمیمیت، ایثار و فداکاری نقش اساسی ایفا می‌کند، به‌طوری‌که فرد می‌تواند از غریزه جنسی به شیوه مطلوب در رشد فردی و اجتماعی استفاده کند (اسلامیان، ۱۳۹۴: ۳).

عوامل مؤثر بر تربیت جنسی

از جمله عواملی که بر تربیت جنسی فرزندان مؤثرند عبارتند از:

۱. خانواده و تربیت جنسی

مهم‌ترین و موثرترین عامل شکل‌گیری هویت و شخصیت فرزندان خانواده است. تربیت جنسی نیز همانند ابعاد دیگر تربیت، تحت تأثیر والدین و خانواده است. نقش والدین نه تنها در زمینه آگاهی دادن به فرزندان مهم است، بلکه در زمینه ارائه رفتارهای مناسب به‌صورت عملی در حوزه تربیتی و الگودهی به فرزندان نیز مهم و اساسی است. این فرآیند از طریق «تئوری یادگیری بندورا» قابل بحث است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، یادگیری افراد از طریق مشاهده، تقلید و مدل‌سازی رخ می‌دهد و افراد با مشاهده و الگوبرداری از یکدیگر، آموزش می‌بینند و یاد می‌گیرند. این نظریه به شیوه‌های مختلف در تربیت جنسی کاربرد دارد. بنابراین با توجه به الگو بودن والدین برای فرزندان، آشنا بودن والدین با برخی از مهارت‌های ارتباطی، کار و وظیفه آن‌ها به‌منظور تربیت

جنسی کودکان تسهیل می‌شود، به طوری که وجود رابطه صمیمانه بین والدین و فرزندان زمینه را برای انتقال صحیح مفاهیم در همه زمینه‌ها و به خصوص تربیت جنسی فراهم می‌کند.

روان‌شناسانی مانند کوچتکوف و کریستال دفریتاس نیز به اهمیت نقش خانواده در تربیت به‌ویژه تربیت جنسی اشاره کرده‌اند. کوچتکوف خانواده را اولین هسته اجتماع می‌داند که کودک در آن قرار می‌گیرد و معتقد است اگر هر خانواده‌ای، وظایف خود را در تربیت کودکان به درستی انجام دهد، می‌توان اطمینان حاصل کرد اجتماع آینده نسلی شایسته خواهد بود (کوچتکوف، ۱۳۷۳: ۱۹).

۲. مدرسه و تربیت جنسی

مسئولیت اصلی تربیت فرزندان برعهده پدر و مادر است، اما نهاد مدرسه بعد از خانواده، نقش عمده‌ای در اهداف عالی تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان دارد. از آنجا که مدرسه و مربیان عامل مهم اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان هستند، کارکرد آن‌ها فقط انتقال دانش به کودکان و نوجوانان و تربیت آنان نیست، بلکه وظیفه مهم دیگرشان این است که فرایندی را که والدین در خانواده برای تربیت فرزندان خود آغاز کرده‌اند، ادامه دهند و هماهنگ و همسو با والدین ارزش‌ها و الگوهای رفتاری پسندیده و مطلوب را به دانش‌آموزان منتقل کنند. بنابراین مربیان، همکلاسی‌ها و سایر عوامل نیز هرکدام می‌توانند نقش ارزشمندی در تربیت به خصوص تربیت جنسی ایفا کنند و در کنترل و پیشگیری از انحرافات اخلاقی مؤثر باشند.

کریستال دفریتاس در این زمینه می‌گوید: «مدرسه‌ها به طور دائم کودکان را با پیام‌های ظریف و متناقض در باره نقش جنسی بمباران می‌کنند. والدین، مربیان و برنامه‌ریزان آموزشی باید با این پیام‌ها برخورد کنند و معلمان نیز باید از روش تأثیر خود بر تقویت یا حذف تفاوت‌های نقش جنسی در کلاس آگاه باشند (دفریتاس، ۱۳۸۶: ۱۹۵).

۳. جامعه و تربیت جنسی

یکی دیگر از عوامل مهمی که نقش قابل توجهی در تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند، جامعه و محیط اطراف است. انسان و جامعه بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ همان‌طور که انسان جامعه را می‌سازد، از جامعه تأثیر هم می‌پذیرد. جامعه می‌تواند بر رفتار کودکان تأثیر بگذارد و به آن‌ها در زمینه نقش جنسی نیز آموزش دهد. نقش جنسی‌ای که از سوی جامعه بر فرزندان تحمیل می‌شود، می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های کودکان درباره نحوه روابط و سلامت آن‌ها در آینده تأثیر بگذارد (همان: ۱۵).

۴. رسانه و تربیت جنسی

یکی از راه‌هایی که امروزه نفوذپذیری در محیط خانواده را افزایش می‌دهد، رسانه است. تنوع رسانه‌ها و وجود جذابیت و امکانات موجود در رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های نوین مانند شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای از یک‌سو، و فقدان مدیریت استفاده از آن‌ها در خانواده، باعث شده که تأثیر مخربی بر تربیت، رفتار و سلامت فرزندان داشته باشند. دفریتاس معتقد است رسانه‌ها در آموزش جنسی فرزندان نقش فعال دارند. وسایل ارتباطی الکترونیک مانند اینترنت اغلب ارزش‌ها و اخلاقیات والدین را تأیید نمی‌کنند. بسیاری از الگوها و عقایدی که از طریق رسانه‌ها منتقل می‌شود و به ذهن کودکان نفوذ می‌کند، اخلاقی نیست. فرد بزرگسال می‌تواند حقیقت را از تخیل تمیز دهد و با دیدن صحنه‌ای آن را خیالی تشخیص دهد، اما دیدن همین صحنه می‌تواند بذر باورهایی را در ذهن کودک بکار و روابط آینده او را تحت تأثیر قرار دهد (همان: ۲۲۵) همچنین دفریتاس بیان می‌کند با توجه به تأثیرگذاری رسانه‌ها بر پرورش جنسیت فرزندان، والدین باید هنگام تماشای تلویزیون با بچه‌ها همراه باشند و آنچه را با عقاید آن‌ها سازگار نیست، نقد کنند.

رسانه‌های نوین، ویژگی‌ها و آسیب‌ها

مک‌کویل، رسانه‌های نوین را مجموعه متمایزی از فناوری ارتباطی می‌داند که

خصایص معینی را در کنار نوشدن، امکانات دیجیتال و دردسترس بودن وسیع برای استفاده شخصی به عنوان ابزارهای ارتباطی دارا هستند. از نظر وی رسانه‌های نوین به طور مشخص بر مجموعه فعالیت‌هایی متمرکز هستند که با عنوان «اینترنت» مطرح‌اند (مک‌کویل، ۱۳۸۷: ۲۴).

رسانه‌های نوین برخلاف رسانه‌های الکترونیک، مانند رادیو یا تلویزیون، رسانه‌هایی هستند که بر بستر اینترنت و در بعضی موارد، ماهواره بار می‌شوند و به کاربران خود خدمات ارائه می‌دهند. سخت‌افزارهایی که ما امروزه شاهد آن هستیم، مثل تلفن‌های همراه هوشمند یا تبلت‌ها و سایر ابزارهای همراه، اگرچه برخی امکانات را بدون اتصال به اینترنت در اختیار صاحبان خود قرار می‌دهند، اما به طور کلی با اینترنت معنا پیدا می‌کنند. ازجمله مصادیق بارز رسانه‌های نوین می‌توان به ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های آنلاین اشاره کرد.

ویژگی‌های رسانه‌های نوین

ظهور رسانه‌های نوین برخی را بر آن داشت تا در پی ویژگی‌ها و به تعبیر دیگر تفاوت‌ها و شباهت‌های رسانه‌های نوین با رسانه‌های سنتی باشند. بر همین اساس برخی ویژگی‌های رسانه‌های نوین را چنین برشمرده‌اند:

۱. دیجیتالی شدن در تمام عرصه‌ها، ۲. جدا شدن اینترنت از ارتباطات جمعی، ۳. تقلیل کنترل اجتماعی، ۴. فاقد زمان و مکان بودن تولید، ارائه و تبادل اطلاعات، ۵. تعاملی بودن یا ارتباطات همزمان دوسویه و چندسویه بودن ارتباطات، ۶. ایجاد فضاهای مختلف برای استفاده همه نوع مخاطب و درعین حال درون‌گرایی بیشتر نقش مخاطب، ۷. ایجاد فرهنگی خاص با تأکید بر فضای مجازی که به فرهنگ فضای مجازی نام گرفت، ۸. ایجاد همگرایی بین رسانه‌های قدیم و جدید (مصدری و حسینی سروری، ۱۳۹۷: ۲۰۵).

آسیب‌های رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی از منظر روان‌شناسی

بر اساس پژوهش‌های روان‌شناسان، فرهنگ حاکم بر رسانه‌های مبتنی بر اینترنت،

تأثیرات منفی بر تربیت جنسی، سلامت روان و رفتار انسان‌ها دارد که در ذیل به مهم‌ترین این تأثیرات اشاره می‌شود:

۱. گسست خانواده و پیوندهای خانوادگی

عوامل گوناگونی به پیوند عاطفی خانواده آسیب می‌رساند و در نهایت به هم‌پیوستگی و انسجام آن را تهدید می‌کند. یکی از این عوامل، گسترش رسانه‌های نوین و تکنولوژی‌های ارتباطی است. استفاده از این رسانه‌ها و فناوری نو برای برقراری ارتباط، به دلیل شتابی که به زندگی می‌دهند و شرایطی که برای شیوه ارتباط فرد ایجاد می‌کنند و فرهنگی (فرهنگ غربی) که در دل خود دارند و ترویج می‌دهند، آثار عمیقی در روابط خانوادگی و اجتماعی فرد دارد. این رسانه‌ها به تدریج جای ارتباط‌های دوطرفه از نوع چهره‌به‌چهره را گرفته و توانسته‌اند فضای انفرادی را جایگزین فضای اجتماعی خانواده کنند، به گونه‌ای که گسترش رسانه‌های نوین، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از گروه دارد.

سندرز و همکاران نیز بیان می‌کنند که استفاده زیاد از اینترنت و فضای مجازی در نوجوانان علاوه بر این که به طور کلی باعث گوشه‌گیری و کناره‌گیری آن‌ها می‌شود، به تدریج ارتباط و تماس آنان را با والدین کاهش می‌دهد (سیاح طاهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۳).

۲. اعتیاد به اینترنت

تحقیقات انجام شده در کشور ما نشان می‌دهد بیشترین استفاده‌کنندگان از اینترنت جوانان هستند و ۳۵ درصد از آن‌ها به دلیل حضور در چت‌روم، ۲۸ درصد برای بازی‌های اینترنتی، ۳۰ درصد به منظور چک کردن پست الکترونیکی و ۲۵ درصد نیز برای جست‌وجو، از اینترنت استفاده می‌کنند (نورمحمدی نجف‌آبادی، صدیقی ارفعی و یاوریان، ۱۳۹۵).

ایوان گلدبرگ اعتیاد به اینترنت را یکی از آسیب‌های روان‌شناختی بسیار مخرب می‌داند که سلامت روانی فرد را در جنبه‌های مختلف مختل می‌کند. برخی پیامدهای منفی اعتیاد به اینترنت بر اساس یافته‌های گلدبرگ عبارتند از:

الف) دگرگونی‌های شدید در سبک زندگی به‌منظور گذراندن زمان بیشتری در شبکه؛

ب) کاهش کلی فعالیت‌های بدنی؛

ج) بی‌توجهی به سلامت فردی و در نتیجه پرداختن به سرگرمی‌های اینترنتی؛

د) دور شدن از فعالیت‌های مهم زندگی

هـ) کمبود خواب و یا تغییر الگوهای خواب، برای گذراندن زمان بیشتری در شبکه؛

و) کاهش معاشرت و در نتیجه از دست دادن دوستان؛

ز) غفلت از خانواده؛

ح) بی‌توجهی به مسئولیت‌های شغلی و شخصی (شجاعی، ۱۳۸۷: ۱۸).

۳. هرزه‌نگاری و تحریک جنسی

یکی از عوامل محیطی مؤثر بر تربیت جنسی کودکان و نوجوانان هرزه‌نگاری است. هرزه‌نگاری به‌عنوان نمایش تصویری و یا کلامی رفتارهای جنسی باهدف ارضای خواسته‌های جنسی دیگران معرفی شده است. این پدیده، معمولاً به شکل‌های گوناگون از جمله عکس، فایل تصویری، داستان و انیمیشن‌های کوتاه در اینترنت وجود دارد و به ارضای غیرطبیعی جنسی، مراجعه‌کنندگان منجر می‌شود (بن‌شاپ، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۱).

هرزه‌نگاری یا پورنوگرافی با تحریک نیاز جنسی و پاسخگویی نادرست به آن، انسان را به ورطه سقوط می‌کشانند. تصاویر، فیلم‌ها و داستان‌های جنسی که هرزه‌نگاری ارائه می‌دهد، حاوی روش‌های انحرافی ارضای جنسی است که به تحریک و ارضای جنسی منجر شده و آثار جسمی و روانی فراوانی به‌دنبال دارد. پورنوگرافی اگرچه در قوانین بین‌المللی و در غرب محکوم نشده و به‌عنوان یک صنعت، آزاد است، اما متخصصان رسانه‌ها و روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بسیاری بر خطرات این موضوع تأکید کرده‌اند (ریبی و رضائیا، ۱۳۹۱: ۶۳-۷۰).

در حال حاضر اینترنت به‌دلیل داشتن سه ویژگی به ارزان‌ترین، سریع‌ترین و بی‌نام‌ترین منبع هرزه‌نگاری تبدیل شده است. دسترسی آسان، توانایی همگان در پرداخت بهای آن و

ناشناس ماندن کاربران آن، سه ویژگی اینترنت و به‌تبع آن رسانه‌های نوین می‌باشد که بهترین

منبع تغذیه تصاویر و مطالب پورنو برای جوامعی است که این مقوله در آن‌ها غیرقانونی است.

نتیجه پژوهش بر روی مغز ۶۴ کاربر پورن نیز کاهش ماده خاکستری مغز و مشکلاتی در منطقه قشر پیشانی که مسئول کنترل و بازداری است را نشان می‌دهد. به عبارتی استفاده طولانی مدت از پورن باعث ضعف اراده می‌شود، به صورتی که فرد احساس می‌کند هیچ کنترلی بر خود و اعمالش ندارد. زمانی که بقیه قسمت‌های مغز که برای این سطح از تحریک و ارضاء طراحی نشده‌اند، دستور توقف تحریک را می‌دهند، قسمت جلویی مغز که توان بازداری ندارد، نمی‌تواند این رفتار را کنترل کند و قادر به توقف تحریک و ارضا نیست (سیاح طاهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

۴. بازداری‌زدایی در اینترنت

یکی از کارکردهای اینترنت، بازداری‌زدایی است. دو اصطلاح بازداری و بازداری‌زدایی، در نظریه «روان‌تحلیل‌گری فروید» مطرح شده است. بر اساس این دیدگاه، به مهار تکانه‌های غریزی («بُن» توسط «فرامن» بازداری گفته می‌شود. بُن مرکب از غریزه‌ها، گرایش‌ها و خواسته‌های شخص است که بر ارضای بدون قید و شرط غریزه‌ها و گرایش‌ها دلالت دارد. بُن افزون بر این که انسان را برای رفع نیازهای اساسی برمی‌انگیزد، دارای جنبه‌های منفی و خواسته‌های نامقبول نیز هست. فرامن، نقطه مقابل بُن و تابع ارزش‌های اخلاقی است. فرامن می‌کوشد ارضای نیازها و گرایش‌های بُن را محدود ساخته و از خواسته‌های غیراخلاقی بازداری کند. در موقعیت‌هایی که فرد در حضور دیگران است، بُن تحت مراقبت فرامن قرار می‌گیرد؛ یعنی از بروز این تکانه‌های غریزی بازداری می‌شود، ولی در مواقع خاص این مراقبت کم‌رنگ‌تر شده و بازداری‌زدایی صورت می‌گیرد.

اینترنت از موقعیت‌هایی است که زمینه بازداری‌زدایی را فراهم می‌کند. در اینترنت افراد اعمالی را انجام می‌دهند و چیزهایی می‌گویند که به‌طور عادی و در دیدارهای رودررو آن‌ها را انجام نمی‌دهند. پژوهشگران این وضعیت را ناشی از اینترنت می‌دانند. در اثر بازداری‌زدایی

چه بسا افراد به جست‌وجوی مطالب و تصویرهای هرزه‌نگاری پردازند و به جاهایی که احتمال این‌گونه مطالب را می‌دهند، سرزنند؛ جاهایی که هرگز در جهان واقعی و حضور دیگران بازدید نخواهند کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد «گمنامی» و «نامرئی بودن»، دو عامل اصلی بازداری‌زدایی در اینترنت است. در بسیاری از محیط‌های اینترنتی، دیگر افراد نمی‌توانند شما را ببینند. نامرئی بودن این جرئت را به افراد می‌دهد که به جاهایی بروند و کارهای بکنند که در خارج از اینترنت نمی‌کردند. نامرئی بودن با گمنامی هم‌پوشی دارد. در ارتباط‌های متنی، دیگران نمی‌توانند شما را ببینند، یا صدای شما را بشنوند و شما نیز نمی‌توانید صدای آن‌ها را بشنوید و آن‌ها را ببینید. افراد در این‌گونه ارتباط‌ها، نگران این نخواهند بود که از سوی کسی تهدید شوند، زیرا هر کاری که انجام دهند، گمنام خواهند ماند (سعیدی و شکبیا، ۱۳۸۴).

چنانچه صفت بازداری‌زدایی و خویش‌نمایی در افراد به سبب استفاده از اینترنت و رسانه‌های مبتنی بر آن در جامعه کاهش یابد، سبب بروز بسیاری از انحرافات جنسی، اخلاقی و روانی خواهد شد، چراکه در فضای مجازی شخص می‌تواند هر نقابی را بر خود بپوشاند و بدین‌وسیله هر چه می‌خواهد بگوید و هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد، بدون این‌که ترسی از شناسایی و رسوا شدن را داشته باشد.

۵. رسانه و شکاف نسل‌ها

با ورود وسایل و فناوری‌های جدید به عرصه خانواده‌ها، مشاهده می‌شود که والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آن‌که حرفی بزنند، از این‌رو کمتر نشانه‌هایی از آن نوع خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که والدین و فرزندان دورهم نشسته و درباره موضوعات مختلف خانوادگی و کاری باهم گفت‌وگو می‌کنند. در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گرایده است. در این شرایط دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه‌های زیستی مختلف، زندگی را از دیدگاه خود می‌نگرند و مطابق با بینش خود آن را تفسیر می‌کنند. نسل دیروز (والدین) احساس دانایی و

باتجربگی می‌کند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیشرفت‌های روز است، در برابر آن‌ها واکنش نشان می‌دهد و از آنجا که از پس منطق و نصیحت‌های سرشار از تجربه آن‌ها برنمی‌آید، به لجبازی روی می‌آورد (رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۹).

۶. اثرپذیری ناآگاهانه از رسانه‌ها

یکی از آسیب‌های خطرناک رسانه بر فرد، اثرپذیری ناآگاهانه است، به این معنا که فرد بدون هیچ دلیل و تحلیلی تحت تأثیر دیگران قرار گیرد. برنامه‌های نمایشی مانند فیلم و سریال که بیشتر مخاطبان آن کودک و نوجوان هستند، فرصت تفکر و تحلیل را از مخاطب خود می‌گیرند، زیرا در عرض یک ثانیه حدود ۳۲ تصویر و در عرض یک دقیقه ۱۸۰۰ تصویر را وارد ذهن مخاطب خود می‌کنند. در این فرصت کوتاه یک دقیقه‌ای، ذهن اگر بخواهد، باز هم نمی‌تواند این حجم از تصویر را که هرکدام حاوی پیامی هستند تحلیل کند. در نتیجه کودک روحیه منفعل پیدا می‌کند. به عبارت دیگر همیشه پیام‌هایی را که از رسانه‌ها و محیط به ذهن او منتقل می‌شود، بدون هیچ دلیل و تحلیلی می‌پذیرد (تراشیون، ۱۳۹۸: ۷۰).

مکانیزم اثرگذاری رسانه‌ها بر تربیت جنسی از منظر روان‌شناسی

در تبیین چگونگی اثرگذاری رسانه‌ها بر تربیت جنسی می‌توان به چند عامل اشاره کرد:

۱. الگوگزینی و مدل‌سازی

اصطلاح «الگوگزینی» به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن رفتار یک فرد یا گروه به عنوان الگو و محرکی برای افکار، نگرش‌ها و رفتارهای شخص دیگری که او را مشاهده کرده به کار رفته می‌شود. الگوگزینی مشاهده‌ای یکی از بهترین شیوه‌های استقرار نگرش در انسان است. فرد در ابتدا با مشاهده رفتار والدین و مربیان و سپس با مشاهده محیط اطراف خود - که رسانه‌ها نیز بخشی از آن به شمار می‌آیند - الگو می‌پذیرد و رفتارهای خود را بر طبق آن‌ها شکل می‌دهد.

روش مدل‌سازی و الگوزینی از روش‌های اثرگذاری رسانه‌ها بر تربیت جنسی است. در زمینه تأثیر الگوگیری از تلویزیون با توجه به پژوهش‌های بندورا نشان داده شده که کودک قادر است تا دو سال بعد، برنامه‌ای را که از تلویزیون دیده تقلید کند و در درازمدت اگر استمرار در دیدن برنامه‌های نامناسب وجود داشته باشد، بعد از گذشت بیست سال، فردی با رفتاری بر اساس اصول غیراخلاقی خواهد شد. در زمینه مسائل دیگری مانند جرم و جنایت، تبلیغ اندیشه‌ها و کالاها نیز این تأثیرپذیری مشاهده می‌شود. در واقع رسانه به‌نوعی به‌طور مستقیم خودآگاه یا غیرمستقیم و غیرعمد در ایجاد جرم و انحرافات اجتماعی دخیل است (عبدالمالکی، ۱۳۸۸).

بنابراین با توجه به فرآیند تأثیرگذاری یادگیری مشاهده‌ای در ذهن، تأثیر مشاهده بر تربیت جنسی روشن می‌گردد، چراکه عدم دقت در آموخته‌ها و مشاهدات افراد به‌ویژه در دوران کودکی توسط والدین و مربیان عامل بروز بسیاری از انحرافات اخلاقی و جنسی در دوره‌های نوجوانی و جوانی خواهد شد.

۲. تفکرزدایی

رسانه‌های تصویری به‌واسطه استفاده همزمان از دو حس شنیداری و دیداری، به‌شدت ذهن، احساس و قوه خیال مخاطب را در اختیار می‌گیرند. این رسانه‌ها گاهی فرد را محسوس خود می‌کنند. در این میان، کودکی کنجکاو و نوجوانی که شهوتش به‌تازگی بیدار شده، به‌هنگام به‌تصویر کشیدن نمونه‌های انحرافی جنسی و جنسیتی، یارای مقاومت در مقابل این نوع القانات را ندارد. آن‌ها به‌راحتی تسلیم چنین صحنه‌هایی می‌شوند و خود را در مقابل توصیه‌های آنان مجبور به اطاعت می‌بینند (مهاکم و عبادی موید، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

به‌طورکلی می‌توان گفت رسانه‌ها با اثرپذیری ناآگاهانه، روی فکر و ذهن مخاطب تأثیر گذاشته و در نتیجه این اثرگذاری، فرد منفعل شده و پیام‌هایی که از رسانه‌ها و محیط به ذهن او منتقل می‌شود، بدون هیچ دلیل و تحلیلی می‌پذیرد.

۳. پاسخگویی سریع

فضای مجازی و در پی آن رسانه‌های نوین به واسطه ویژگی‌هایمانند گمنامی، سرعت زیاد، فرامرزی بودن، نبود قوانین و مقررات و دسترسی‌پذیری بالا این توانایی را دارند که بدون هیچ محدودیتی، پاسخگوی نیاز درونی کاربران باشند. به عنوان مثال اگر نیاز به ارائه خود، نیاز به تأیید اجتماعی و نیاز به تعلق فرد در دنیای واقعی به شکل مناسب برآورده نشود، اینترنت این فرصت را به فرد می‌دهد که سریع‌تر و در ابعاد وسیع‌تری به این نیازها پاسخ بدهد. همچنین اگر میل به کنجکاوی‌های جنسی در دنیای واقعی مدیریت نشود، فضای مجازی عرصه را برای پاسخگویی بدون حدمرز آن فراهم می‌کند (سیاح طاهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

۴. بازدارندگی

گمنامی و نامرئی بودن دو عامل مهم بازدارندگی اینترنت و فضای مجازی محسوب می‌شوند. با وجود این دو عامل فرد می‌تواند از طریق رسانه‌های نوین، بدون ترس از شناسایی و رسوا شدن دست به هر کاری بزند. بنابراین می‌توان گفت کاهش صفت بازدارندگی در افراد در اثر استفاده از رسانه‌های مبتنی بر اینترنت عامل بسیاری از انحرافات جنسی و اخلاقی خواهد بود.

راهکارهای پیشگیری از تأثیر منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی از منظر اسلام و روان‌شناسی

با توجه به مطالبی که بیان شد، و با بررسی و تطبیق تربیت جنسی در اسلام و روان‌شناسی، به راهکارهای کاربردی منطبق با نظریات اسلام و آموزه‌های دینی برای پیشگیری از تأثیرات منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی دست یافتیم. این راهکارها عبارتند از:

۱. توجه به خانواده و مدیریت روابط درون و بیرون خانواده

خانواده اولین مکتبی است که سلامت آن تضمین‌کننده سعادت جامعه است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند نگه‌دارید.» (تحریم: ۶)

خداوند در قرآن کریم پس از تأکید بر تربیت و مراقبت فردی بلافاصله به حفظ و هدایت خانوادگی اشاره می‌کند. همچنین در آموزه‌های دینی تصریح شده که کودکان با فطرتی خدایی متولد می‌شوند و از ابتدای تولد تمایل به خداپرستی با آن‌ها وجود دارد. پرورش و شکوفاسازی فطرت کودک توسط والدین، او را از انحرافات جنسی و گرایش به نابه‌نجاری‌های اخلاقی و معنوی مصون می‌دارد.

بنابراین طرز رفتار والدین و تربیت نادرست آن‌ها یا عوامل محیطی دیگر هستند که کودکان را از فطرت اولیه منحرف می‌کنند. مدیریت روابط درون و بیرون خانواده توسط والدین و تربیت جنسی فرزندان متناسب با سن آن‌ها، زمینه را برای تربیت صحیح آن‌ها فراهم می‌کند. الگودهی عملی والدین از حیا و رفتارهای اخلاقی و داشتن رابطه صحیح با یکدیگر، زمینه حیا را در فرزندان و در نتیجه آن، محیط اخلاقی سالم را در خانواده فراهم می‌آورد. راهکار تربیتی در دوره کودکی معطوف به مراقبت از بیداری جنسی کودک، و راهکار تربیت جنسی در دوره نوجوانی بر محور راهنمایی و هدایت جنسی متمرکز است. از نظر روان‌شناسی رفتار والدین برای کودک نمونه تقلید است. اگر هر خانواده‌ای زندگی خود را بر پایه صحیحی بنا نهد، می‌توان اطمینان حاصل کرد که نسل آینده نسلی شایسته خواهد بود. اگر افراد بر اساس معیارهای دینی و ارزش‌های اخلاقی تربیت شوند، ملکه‌های اخلاقی نهادینه‌شده در وجود فرد، او را از رفتارهای ضد اخلاقی در فضای واقعی و مجازی برحذر خواهد داشت.

ماکارنکو بیان می‌دارد تربیت جنسی صحیح نیز مانند هر یک از خصوصیات انسانی در صورتی به موفقیت نزدیک می‌شود که خانواده بر پایه صحیحی استوار بوده و کودک زیر نظر پدر و مادر دلسوز بزرگ‌شده باشد (کوچتکوف، ۱۳۷۳: ۴۹).

۲. تقویت عقاید دینی و ارزش‌های اخلاقی

یکی از بهترین راهکارها در مواجهه با آسیب‌ها و چالش‌های فضای مجازی، تقویت عقاید و باورهای دینی است. تقویت عقاید و باورهای دینی، به‌ویژه در زمانی که دشمن روی باورهای ما تمرکز کرده و سعی در به انحراف کشیدن آن‌ها دارد، ضروری است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «اوست آن که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری بزرگوار از جنس ایشان برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا را تلاوت کند و ایشان را از پلیدی جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت و حکمت بیاموزد و به‌درستی که پیش از این در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند.» (جمعه: ۲)

طبق آیه قرآن یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تزکیه نفوس و تربیت انسان‌ها و پرورش اخلاق بیان شده است. بنابراین یکی از کارآمدترین راه‌ها برای مقابله با تأثیر منفی فناوری نوین بر تربیت در فضای مجازی، تربیت افراد بر اساس اخلاق اسلامی و دینی است تا افراد از درون کنترل شده و التزام قلبی پیدا کنند و در مقابل انحرافات جنسی مصون بمانند. پایبندی به آموزه‌های دینی و داشتن تقیدات مذهبی سد محکمی در برابر آسیب‌ها و انحرافات اخلاقی و جنسی خواهد بود.

دانشمندانی همچون یونگ، فرانکل، تیلیچ و آلپورت نظریه‌هایی درباره تأثیرات مذهب بر یکپارچگی شخصیت انسان و ایجاد آرمانی والا ارائه نموده و می‌گویند نقش مذهب، تمام جنبه‌های زندگی ما را دربرمی‌گیرد و انسان را به موجودی متعالی و برتر مرتبط می‌سازد. همچنین معتقدند مذهب موجب تشکیل ارزش‌های عالی در وجود آدمی شده و در ایجاد انگیزش و امید به زندگی نقش جدی دارد (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۵: ۷).

۳. بصیرت‌بخشی و بالا بردن سواد رسانه‌ای

یکی از دیگر راهکارهای کارآمد در پیشگیری از تأثیر منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی و مقابله با چالش‌های تربیت در فضای مجازی، بصیرت‌بخشی و آگاهی دادن به کاربران است. بسیاری از فعالیت‌های تخریب‌گرایانه فرهنگی-مذهبی که در فضای مجازی و

توسط رسانه‌های نوین صورت می‌پذیرد، از سوی فرهنگ غرب و دشمنان اسلام و دین طراحی و عرضه شده است. هدف آن‌ها دور کردن کاربران از معارف ناب اسلام و روی آوردن به اسلام آمریکایی و تضعیف عقاید کاربران است. حال اگر کاربری که قصد استفاده از رسانه و فضای مجازی را دارد، این مسئله را به‌خوبی بداند و با آگاهی و بصیرت از آن‌ها استفاده کند، هرگز تحت تأثیر آسیب‌های آن قرار نخواهد گرفت.

«بصیرت» در اصطلاح عبارت است از آن معرفتی که انسان به‌واسطه آن میان حق و باطل در امور دینی و دنیوی تمیز می‌گذارد (طوسی، ۱۳۷۲: ۲۰۵). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «بگو این است راه من، که من و هر کس (پیروی‌ام) کرد را با بینایی به‌سوی خدا دعوت می‌کنیم؛ و منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم.» (یوسف: ۱۰۸)

همچنین قرآن کریم یکی از صفات عبادالرحمان را بصیرت و بینش دقیق بیان فرموده: «و آنان کسانی هستند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور (چشم‌و گوش بسته) به سجده نمی‌افتند، بلکه عمل آنان آگاهانه است.» (فرقان: ۷۳)

بر اساس این آیه شریفه هنگامی که انسان با استفاده از قدرت تفکر خود به تکامل و خودآگاهی برسد و نتایج اعمال و رفتار خود را به‌صورت عقلانی بسنجد، در ورطه و پرتگاه سقوط قرار نمی‌گیرد.

افراد به‌ویژه والدین باید آگاهی و شناخت خود را نسبت به فضای مجازی و رسانه‌ها بالا ببرند و در مواقع لزوم آموزش ببینند. بصیرت و آگاهی والدین در این زمینه به همراه بالا بردن سواد رسانه‌ای، موجب پیشگیری از آسیب‌های مخرب رسانه‌ها بر خانواده به‌ویژه کودکان و نوجوانان شده و آن‌ها را از انحرافات ناشی از رسانه‌ها مصون می‌دارد.

سواد رسانه‌ای یک نوع درک متکی به مهارت است که بر اساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵).

از عوامل تهدیدکننده بنیان خانواده استفاده نادرست از رسانه‌ها یا به‌اصطلاح نداشتن سواد رسانه‌ای است. لذا مدیریت رسانه و آشنایی با راهکارهای مدیریت این فضا باعث

می‌شود که مخاطبان از جانب محتوای رسانه‌ها آسیبی ندیده و تنها به استفاده درست و

مطلوب از آن روی آورند (تراشیون، ۱۳۹۸: ۶۹). سواد رسانه‌ای می‌تواند به والدین نحوه مواجهه سالم و سودمند با انواع رسانه‌ها را آموزش دهد به گونه‌ای که آنان بتوانند در برابر پیام‌های رسانه‌ای، خود و فرزندانشان را به مخاطبانی فعال و گزینشگر تبدیل کنند.

بنابراین بر والدین و مربیان لازم است با آگاهانه برخورد کردن در برخورد با رسانه‌ها و با بالا بردن سواد رسانه‌ای، فرزندان خود را از آسیب‌های مخرب رسانه‌ها مصون بدارند و اجازه ندهند تربیت رسانه‌ای جایگزین فضای تربیتی خانواده‌ها شود.

۴. تقوای حضور

تقوای حضور یکی از مؤلفه‌های ارزشمند و اساسی تربیت دینی است که عالی‌ترین مرتبه تقواست. تقوای حضور معادل مهارت خودکنترلی در روان‌شناسی است که به‌عنوان یکی از راهکارهای پیشگیری از تأثیر منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی است. ازجمله راهکارهای مربوط به حوزه تقوای حضور، کنترل حواس است. قوه بینایی نقش زیادی در تحریک شهوت به‌ویژه شهوت جنسی دارد. اگر انسان چشم خود را مهار کند و هر منظره‌ای را نبیند، بهتر می‌تواند قوه شهویه خود را کنترل نماید. خداوند در قرآن می‌فرماید: «مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند.» (نور: ۳۰)؛ «وزنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند.» (نور: ۳۱)

علاوه بر حس بینایی، حس شنوایی نیز می‌تواند زمینه‌ساز انحراف جنسی شود. فرد با دیدن تصاویر و فیلم‌های غیراخلاقی از یک‌سو، و از سوی دیگر با شنیدن داستان‌های صوتی یا آهنگ‌های تحریک‌آمیز، موقعیت‌های توصیف‌شده را در ذهن خود تداعی می‌کند و همین تخیل باعث می‌شود غریزه جنسی فرد تحریک شود و او را به گناه آلوده کند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند به شما زیانی نمی‌رساند.» (مائده: ۱۰۵)

بر اساس مفهوم آیه شریفه، در عصر حاضر با توجه به قدرت تأثیرگذاری رسانه‌های نوین، انسان باید به درون خود پردازد و به مرتبه‌ای از هدایت درونی دست یابد که گمراهان،

قدرت آسیب‌رسانی به او نداشته باشند. تربیت بر اساس تقوای حضور باعث می‌شود فرد با وجود اینکه در جامعه و در معرض انواع آلودگی‌ها قرار دارد خود را در مرتبه‌ای فزاینده و چشم و گوش خود را از هر آنچه او را به خطا و گناه می‌اندازد، مصون نگه دارد.

خداوند متعال ناظر درونی، وجدان یا نفس سرزنش‌گر را در وجود همه آدم‌ها قرار داده است. توجه به این مرتبه نفس، به انسان کمک می‌کند که نسبت به اعمال و رفتارهای ناخودآگاه و عاداتی‌اش، بینش پیدا کند. حالات و علائمی که لازم است متوجه آن بود شامل حالت تذکر، احساس تردید، احساس گناه، میل به توبه و جبران است که از وظایف نفس لوامه است. مهارت خویشتن‌داری یا خودکنترلی، توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای خواسته‌ها در چارچوب قابل قبول اجتماعی، بدون مداخله و هدایت مستقیم فردی دیگر تعریف شده است (جان‌یزگی، ۱۳۸۷: ۲۰).

با تقویت مهارت خودکنترلی یا تقوای حضور که همان مدیریت خواسته‌ها و نیازهاست، می‌توان وسوسه‌ها، محرک‌ها و انگیزه‌های قانون‌شکنی را در فرد کنترل کرد. به عنوان مثال حفظ نگاه و زبان در برخورد با نامحرم، نقش مؤثری در جلوگیری از تحریک جنسی و پیشگیری از آسیب‌های رسانه‌های نوین برعهده دارد.

۵. دوری از محیط تحریک‌زا و ایجاد جایگزین

با توجه به آنچه در مطالب پیشین به آن اشاره شد، رسانه‌های مبتنی بر اینترنت و فضای مجازی از جمله محیط‌های مؤثر در تربیت به حساب می‌آیند، چراکه محیط هم می‌تواند منشأ انواع فساد و بدبختی شود و هم سرچشمه صلاح و پاکی. کسانی که بی‌اندازه از فضای مجازی استفاده می‌کنند، کمتر در جلسات عمومی و خانوادگی حضور دارند و این مسئله در درازمدت آثار زیان‌بار زیادی به بار خواهد آورد. اگر رسانه‌ها و فضای مجازی به محیطی برای پیشبرد اهداف شیطانی تبدیل شوند، باید تا حد امکان از حضور بی‌دلیل در این محیط‌ها جلوگیری شود. از جمله راهکارهای قرآن در این زمینه، هجرت از محیط کفر به محیط توحیدی است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و

گسترده‌ای در زمین می‌یابد.» (نساء: ۱۰۰) با توجه به فرموده قرآن، ترغیب به استفاده کمتر از فضای مجازی و رسانه‌های نوین و حضور بیشتر در محیط‌های حقیقی و حضور در محافل اجتماعی و خانوادگی به‌عنوان یک راهکار برای پیشگیری از آسیب‌های رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی مطرح خواهد بود.

محرك‌های محیطی که رسانه‌های نوین را نیز شامل می‌شوند، نقش مهمی در میزان برانگیختگی جنسی دارند. بر اساس نظر برخی از روان‌شناسان، رفتار جنسی در دو مرحله اصلی مرتبط باهم رخ می‌دهد: مرحله غیرلمسی و مرحله لمسی. افراد در نتیجه نشانه‌های دیداری، شنیداری و بویایی یا شناختی به فردی از جنس مخالف تمایل پیدا می‌کنند (فرانکن، ۱۳۸۴: ۱۵۷). بدین‌صورت، تحریک در قلمروهای ارتباطی بینایی، شنوایی، گویایی، بویایی، فحوای رفتار و حتی خیال اتفاق می‌افتد و ممکن است حریم امنیتی کودکان، نوجوانان و خانواده را به خطر اندازد و عامل بروز بسیاری از انحرافات جنسی و اخلاقی شود.

مغز انسان هنگام مشاهده تصاویر محرك پورن و فیلم‌های مستهجن با دریافت محرك لذت‌بخش، در جست‌وجوی منبع لذت، بارها و بدون هیچ محدودیتی به‌سوی رفتارهای جنسی متنوع میل پیدا می‌کند. به‌دلیل تفاوت زیاد محرك‌های پورن با محرك‌های واقعی، فرد هیچ‌گاه به ارضای روانی موردنظر نمی‌رسد و مشکلات جدی برایش ایجاد می‌شود. ازجمله راهکارهای کنترل محرك‌ها می‌توان به تغییر، کنترل محیط و کنترل ورودی‌ها اشاره کرد. تغییر و کنترل محیط با تغییر موقعیت، تغییر اطرافیان، انحراف توجه از موضوع امکان‌پذیر است، چون پیوند محرك‌ها و محیط را به‌مرور ضعیف و خاموش می‌کند. همچنین از مهم‌ترین راه‌ها برای ترک اعتیاد به پورن، کنترل ورودی‌هایی همچون چشم و گوش است، چراکه چشم و گوش ورودی‌های روح و فکر هستند که در بسیاری از موارد آغازگر تصورات و تخیلات جنسی‌اند (سیاح طاهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

در پدیده اعتیاد اینترنتی مانند سایر انواع اعتیاد، نیازمند کاهش مشغولیت روانی بر موضوع اعتیاد و انحراف توجه به کمک یک عمل جایگزین است. برای مثال در ترک اعتیاد به

موادمخدر، در ابتدا داروهای شیمیایی با دوز مشخص را جایگزین ماده مخدر می‌کنند و سپس فرد معتاد را به قبول مسئولیت و انجام کار ترغیب می‌کنند. در ارتباط با کودکان نیز اصل مهمی وجود دارد که وقتی می‌خواهید کودک را از وسیله خطرناکی دور کنید یا چیزی را از او بگیرید، لازم است همزمان وسیله جالب و البته بهتری به او بدهید. در پدیده اعتیاد نیز مغز مثل کودکی سمج، به کار تکراری خوشایند و شاید مضر می‌چسبد و به منظور جست‌وجوی لذت، رفتار قبل را تکرار می‌کند. در کاربرد فعالیت‌های جایگزین باید به این نکته توجه داشت که اعتیاد اینترنتی با هیجان‌خواهی رابطه‌ای مستقیم دارد (سلطانی، فولادوند و فتحی آشتیانی، ۱۳۸۹: ۱۹۷-۱۹۱).

همچنین یانگ نیز به این نکته اشاره می‌کند که هدف درمان، ایجاد فعالیت‌های غیر آنالین لذت‌بخش به صورت مشترک است (یانگ و نابوکودآبرئو، ۱۳۹۱: ۲۱۱). این امر نشان می‌دهد لازم است هیجان‌خواهی کاربران به درستی تأمین شود. بنابراین باید با در نظر گرفتن فعالیت‌های لذت‌بخش، مفید و متنوع جایگزین، توجه فرد را از کار قبلی منحرف کرده و به صورت همزمان، عادت رفتاری جدیدی را در او تقویت کرد.

۶. مدیریت و نظارت در استفاده از رسانه و فضای مجازی

مدیریت رسانه و آشنایی با راهکارهای مدیریت این فضا، باعث می‌شود مخاطبان از جانب محتوای رسانه‌ها آسیبی ندیده و تنها به استفاده‌های درست و مطلوب از آن روی آورند. یکی از راه‌های مدیریت رسانه و فضای مجازی قانونمندی استفاده از رسانه و نظارت بر آن است. قانون، مجموعه بایدها و نبایدهایی است که شیوه رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کند. استفاده از رسانه‌ها باید قانون‌مند باشد تا محتوای رسانه‌ها آسیبی به مخاطب نرساند. از جمله قوانینی که والدین می‌توانند برای پیشگیری از آسیب‌های مخرب رسانه‌ها بر تربیت جنسی به کار ببرند عبارتند از: ۱. تعیین زمان آغاز و پایان استفاده از رسانه برای فرزندان، ۲. ممنوعیت استفاده از رسانه در هنگام صرف غذا، ۳. ممنوعیت استفاده از رسانه

در اتاق خواب (تراشیون، ۱۳۹۸: ۷۰).

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «زمانی که مردم به کارهای ممنوع و خلاف دست زدند و هر کس هرچه دلش خواست کرد، بدون این که کسی نظارت کند، در این صورت مردم همگی به فساد و تباهی دچار می‌گردند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۹۹)

بنابراین می‌توان گفت یکی از راهکارهای کارآمد برای پیشگیری از آسیب‌های رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی، قانون‌گذاری و نظارت والدین بر فرزندان در استفاده از فضای مجازی است، چراکه کودکان و نوجوانان به خاطر شرایط سنی که در آن قرار دارند آسیب‌پذیرتر هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

توجه به تربیت جنسی با در نظر گرفتن ویژگی‌های عصر حاضر و دسترسی آسان و سریع به فناوری‌های جدید امری لازم و ضروری است. رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های نوین از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل تربیت در جامعه به‌ویژه تربیت جنسی هستند. رسانه‌های نوین به سبب ویژگی‌هایی چون دسترسی سریع، گمنامی، فرازمانی و فرامکانی بودن نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در تربیت انسان دارای اهمیت چشمگیری هستند، به‌طوری که قادرند نسلی نو در تاریخ به‌وجود آورند که از لحاظ اخلاق و رفتار و نحوه تعامل با دیگران با نسل‌های پیشین متفاوت است.

امروزه با گسترش وسایل ارتباطی و فناوری‌های نوین بسیاری از آگاهی‌ها زودتر و به‌صورت نادرست به کودکان و نوجوانان آموزش داده می‌شود. رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های نوین اغلب ارزش‌ها و اخلاقیات والدین را تأیید نمی‌کنند. بسیاری از الگوها و عقایدی که از طریق رسانه‌ها منتقل می‌شود و به ذهن کودکان نفوذ می‌کند، اخلاقی نیست. فرد بزرگسال می‌تواند حقیقت را از تخیل تمیز دهد و با دیدن صحنه‌ای آن را خیالی تشخیص دهد، اما دیدن همین صحنه می‌تواند در ذهن کودک بذر باورهایی را بکار و روابط آینده او را تحت تأثیر قرار دهد.

رسانه‌ها نفوذی عمیق در شخصیت افراد به‌ویژه کودکان و نوجوانان دارند. این

تأثیرگذاری به چند دلیل است. اولین دلیل نقش الگودهی رسانه است. در زمینه تأثیر الگوگیری از رسانه با توجه به پژوهش‌های بندورا نشان داده شده که کودکان قادر است تا دو سال بعد، برنامه‌ای را که از طریق تلویزیون دیده است تقلید کند و در درازمدت اگر استمرار در دیدن برنامه‌های نامناسب وجود داشته باشد، بعد از گذشت چند سال، فردی با رفتاری بر اساس اصول غیراخلاقی خواهد شد. درواقع رسانه به‌نوعی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و غیرعمد در ایجاد جرم و انحرافات دخیل است.

علاوه بر این رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های تصویری به‌واسطه استفاده همزمان از دو حس شنیداری و دیداری، به‌شدت ذهن، احساس و قوه خیال مخاطب را در اختیار می‌گیرند. رسانه‌ها با اثرپذیری ناآگاهانه، روی فکر و ذهن مخاطب تأثیر گذاشته و در نتیجه این اثرگذاری، فرد منفعل شده و پیام‌هایی که از رسانه‌ها و محیط به ذهن او منتقل می‌شود، بدون هیچ دلیل و تحلیلی می‌پذیرد.

همچنین گمنامی و نامرئی بودن دو عامل مهم بازدارندگی زدایی اینترنت و فضای مجازی محسوب می‌شوند. با وجود این دو عامل فرد می‌تواند از طریق رسانه‌های نوین، بدون ترس از شناسایی و رسوا شدن دست به هر کاری بزند. بنابراین کاهش صفت بازدارندگی در افراد در اثر استفاده از رسانه‌های مبتنی بر اینترنت عامل بسیاری از انحرافات جنسی و اخلاقی خواهد شد.

بررسی‌های انجام‌شده در اسلام و روان‌شناسی حاکی از اهمیت تربیت جنسی در این دو حوزه است، به‌طوری که هرکدام به‌نوبه خود توصیه‌هایی در راستای تربیت جنسی صحیح فرزندان و روش‌های پیشگیری از انحرافات جنسی در دوره کودکی و نوجوانی ارائه داده‌اند.

با بررسی و تطبیق تربیت جنسی در اسلام و روان‌شناسی و وجوه تشابه و افتراق آن‌ها، به راهکارهای کاربردی منطبق با نظریات اسلام و آموزه‌های دینی برای پیشگیری از تأثیرات منفی رسانه‌های نوین بر تربیت جنسی دست یافتیم:

روانشناسی عبارتند از:

۱. توجه به خانواده و مدیریت روابط درون و بیرون خانواده؛
۲. تقویت عقاید دینی و ارزش‌های اخلاقی؛
۳. بصیرت‌بخشی و بالا بردن سواد رسانه‌ای؛
۴. تقوای حضور؛
۵. دوری از محیط تحریک‌زا و ایجاد جایگزین؛
۶. مدیریت و نظارت در استفاده از رسانه و فضای مجازی.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. آیت اللهی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۹۳). سواد رسانه‌ای (۱) مفاهیم و کلیات. تهران: فهم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون اخبار رضا (ع) (ج ۲). تهران: نشر جهان.
۴. اسلامیان، زهرا و همکاران (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل ابعاد مختلف تربیت جنسی و مسائل اساسی مرتبط با آن. تهران: همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی.
۵. بن شاپ، آلبرت (۱۳۸۴). پورنوگرافی در فضای مجازی. علوم سیاسی (سیاحت غرب)، (۲۴): ۴۱-۴۵.
۶. بهشتی، محمد (۱۳۸۵). تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی. تربیت اسلامی، ۲ (۳): ۸۹-۱۱۳.
۷. تراشپون، علیرضا (۱۳۹۸). والد سوم (تأثیر رسانه بر تربیت فرزندان). قم: نشر معارف.
۸. جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۷). شیوه‌های درمان اضطراب و تنیدگی. تهران: نشر سمت.
۹. دفریتاس، کریستال (۱۳۸۶). کلیدهای آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان. ترجمه: سارا رئیسی طوسی. تهران: صابرین.
۱۰. ربیعی، علی؛ رضائیا، آوات (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اینترنت و بحران اخلاقی در جوامع معاصر. اخلاق در علوم و فناوری، ۷ (۴): ۱-۹.
۱۱. رحیمی، محمد (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی (شهر خلخال). دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). منشور جاوید. قم: انتشارات امام صادق (ع).
۱۳. سعیدی، علی؛ شکبیا، ابوالقاسم (۱۳۸۴). روانشناسی و آسیب‌شناسی ارتباطات اینترنتی. تهران: سنبله.
۱۴. سلطانی، مهری؛ فولادوند، خدیجه؛ فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۹). رابطه هویت و هیجان خواهی با اعتیاد اینترنتی. علوم رفتاری، ۴ (۳): ۱۹۱-۱۹۷.
۱۵. سیاح طاهری، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۵). حقیقت مجازی. تهران: مرکز ملی فضای مجازی.
۱۶. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۷). روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت. روانشناسی و دین، ۱ (۱): ۱۴۳-۱۷۴.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۲). الامالی. قم: دارالثقافه.
۱۸. عبدالمالکی، جعفر (۱۳۸۸). نقش کارکردی رسانه‌های جمعی در برقراری امنیت اجتماعی. تهران: جام جم.
۱۹. فرانکن، رابرت (۱۳۸۴). انگیزش و هیجان. ترجمه: حسن شمس اسفندآباد و همکاران. تهران: نشر نی.

۲۰. کوچتکوف، واسیلی دمتری (۱۳۷۳). روانشناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان. ترجمه: محمد تقی زاده. قم: بنیاد.
۲۱. مصدری، فاطمه؛ حسینی سروری، سید حسن (۱۳۹۷). ماهیت رسانه‌های نوین. مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۲ (۱۶): ۱۸۹-۲۱۲.
۲۲. مک کوایل، دنیس (۱۳۸۷). رسانه‌های نوین-نظریه نوین. ترجمه: سعید شاه‌حسینی. تهران: آفتاب.
۲۳. مهکام، رضا؛ عبادی موید، لیلا (۱۳۹۹). حرف‌های یواشکی (مهارت‌های تربیت جنسی فرزندان بارویکرد روانشناسی اسلامی)، اصفهان: مهرستان.
۲۴. نوابخش، مهرداد؛ پوریوسفی، حمید (۱۳۸۵). نقش دین و باورهای مذهبی بر سلامت روان. پژوهش دینی، (۱۴): ۷۱-۹۴.
۲۵. نورمحمدی نجف‌آبادی، محمد؛ صدیقی ارفع، فریرز؛ یاوریان، ابراهیم (۱۳۹۵). آسیب‌ها و راهکارها در رابطه با آثار فضای سایبری در تربیت دینی فرزندان. بازایی شده در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۴۰۲ از سایت: <http://pajoohe.ir>
۲۶. یانگ، کیمبرلی. اس؛ نابوکودآبرنو، کریستیانو (۱۳۹۱). اعتیاد اینترنتی (اعتیاد اینترنتی کتاب راهنما برای ارزیابی و درمان). ترجمه فاطمه وحدت نیا. تهران: آسیم.